

## Investigation of Taxation Mechanisms from Tehran Stock Exchange Traders; Providing Policy Guidelines

Ali Aghaie \*

Hossein Hasanzadeh Sarvestani\*\*

Seyed Mohammad Hadi Sobhanian\*\*\*

### Abstract

Governments need income to be able to perform their main tasks such as providing health, education, and security for society. This income can be provided in different ways, each of which has its effects. One of the ways to earn a stable income for the government is to use the tax capacity. The government can provide its income by designing tax systems in the asset markets, and the capital market will be one of the government's target markets. Therefore, the central question of the research is designed as follows: What is the appropriate mechanism for collecting taxes from the traders of the Tehran Stock Exchange?

To answer this question, while examining the historical course of the research topic in Iran and the successful experiences of the target countries, by designing a questionnaire, the opinions of public finance and capital market experts were obtained in the form of separate interviews, and by using the method of thematic analysis of the proposed ideas in the form of the basic themes of the data. It provided the requirements for the design of the tax collection mechanism in the Tehran Stock Exchange. In the end, the research results were categorized into ten domains and formed organizing themes. Then, the mentioned topics were categorized in the form of mandatory considerations for the implementation of the proposed mechanism in 3 sections short-term, medium-term, and long-term measures. In the end, according to the mentioned considerations, the proposed mechanism was explained in 3 separate categories of tax bases.

**Keywords:** Tax, Government Finance Budget, Capital Market, Economic System.

**Classification JEL:** H21.

---

\* Phd student, insurance finance, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Responsible author)/  
masd1352@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Department of Finance, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam  
Sadeq University, Tehran, Iran/ roozbeh\_noury@yahoo.com

\*\*\* Assistant Professor, Department of Bank, Insurance and Customs Management, Faculty of  
Management, Kharazmi University, Tehran, Iran/ Hadi.sobhanain@gmail.com

## بررسی سازوکارهای گرفتن مالیات از معامله‌گران بورس اوراق بهادار تهران و ارائه رهنمودهای سیاستی

علی آقایی\*

حسین حسن‌زاده سروسنانی\*\*

سیدمحمدهادی سبحانین\*\*\*

### چکیده

دولت‌ها برای اینکه بتوانند وظایف اصلی خود از قبیل تأمین بهداشت، آموزش و امنیت جامعه را انجام دهند، نیاز به درآمد دارند. این درآمد می‌تواند به اشکال مختلفی تأمین شود که هر کدام اثرات خاص خود را دارد. یکی از راه‌های کسب درآمدهای پایدار برای دولت استفاده از ظرفیت مالیات است. دولت می‌تواند با طراحی سیستم‌های مالیات‌ستانی در بازارهای دارایی درآمد خود را تأمین کند و بازار سرمایه نیز جزء بازارهای هدف دولت خواهد بود. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش به این صورت است: سازوکار مناسب گرفتن مالیات از معامله‌گران بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

برای پاسخ به این پرسش، ضمن بررسی سیر تاریخی موضوع پژوهش در ایران و تجربیات موفق کشورهای هدف، با طراحی پرسش‌نامه نظرات خبرگان مالیه عمومی و بازار سرمایه در قالب مصاحبه‌های مجزا دریافت شد و با استفاده از روش تحلیل مضمون ایده‌های مطروحه در قالب مضامین پایه داده‌های مورد نیاز برای طراحی سازوکار گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار تهران را فراهم کرد.

در پایان، نتایج تحقیق در ده حوزه دسته‌بندی شده و مضامین سازمان‌دهنده را تشکیل دادند. سپس مضامین یادشده در قالب ملاحظات الزامی اجرای سازوکار پیشنهادی در سه بخش اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دسته‌بندی شدند. در پایان با توجه به ملاحظات یادشده، سازوکار پیشنهادی در سه دسته مجزا از پایه‌های مالیاتی تبیین شد.

واژگان کلیدی: مالیات، تأمین مالی دولت، بودجه، بازار سرمایه

طبقه‌بندی JEL: H21

\* دانشجوی دکتری، مالی گرایش بیمه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
ali.aghaie.m@gmail.com

\*\* استادیار، گروه مالی، دانشکده معارف اسلام و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران  
hasanzadeh.hosein@gmail.com

\*\*\* استادیار، گروه آموزشی مدیریت بانک، بیمه و گمرک، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
Hadi.sobhanain@gmail.com

## ۱. مقدمه

دولت در سال‌های اخیر به‌طور مداوم با کسری بودجه مواجه بوده است. افزون‌براین بدهی دولت به نهادهایی مانند صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی روزبه‌روز افزوده شده است. با اینکه دولت ردیف‌های عمرانی را کاهش داده یا حذف کرده و بدهی خود را به نهادهای یادشده به تعویق انداخته است، برای تأمین مالی بدهی‌های جاری خود نیز به مشکل برخورد کرده و در سالیان اخیر با خام‌فروشی دارایی‌های سرمایه‌ای ارزشمندی هم‌چون نفت در پی تأمین منابع آن بوده است. پس از وضع تحریم‌های بی‌سابقه دولت آمریکا بر ایران و بسته‌شدن کانال‌های مالی بین‌المللی، دولت حتی از فروش سهام‌های دولتی نیز دریغ نکرده است. افزون‌براین دولت نمی‌تواند تا هر اندازه‌ای که بخواهد از طریق اوراق دولتی تأمین مالی کند؛ چون تمامی این تعهدات روی هم جمع شده و دائماً به آن افزوده می‌شود؛ به‌طوری‌که برای دولت‌های بعدی مشکلات اساسی ایجاد خواهد کرد. از طرفی چون دولت قادر نیست هزینه‌های جاری خود را از محل درآمدهای عمومی به‌طور کامل پوشش دهد با کسری تراز عملیاتی مواجه است که با مشکلات توضیح داده شده این کسری بیشتر هم خواهد شد. بنابراین، به نظر می‌رسد دولت باید به سمت درآمدهایی برود که دارای ویژگی‌هایی همچون پایداری در طول زمان و با کیفیت بالا باشد.

یکی از درآمدهایی که تمامی ویژگی‌های بالا را دارد درآمدهای مالیاتی در بورس اوراق بهادار تهران است. وضع چنین پایه‌های مالیاتی جدیدی می‌تواند در امر به ثبات رسیدن بازار سرمایه نیز نقش عمده‌ای ایفا کند؛ به‌طوری‌که با کاهش سفته‌بازی‌های اخلاص‌زا و نوسانات آسیب‌رسان، از ورود نقدینگی‌های هنگفت به سفته‌بازی و نوسان‌گیری جلوگیری کند و آرامش و ثبات را به بورس برگرداند. همچنین، با این اقدام امکان هدایت منابع به‌سمت شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآورتر فراهم خواهد شد و کارایی تخصیصی برای بازار به ارمغان خواهد آورد؛ به‌طوری‌که در بلندمدت به رونق تولید کمک خواهد کرد و این با اسناد بالادستی و راهبردهای مورد تأکید مقام معظم رهبری هم‌چون اقتصاد مقاومتی همخوانی دارد. البته باید توجه نمود که وضع پایه‌های مالیاتی مختلف می‌تواند محرک خروج نقدینگی و کاهش جذابیت بازار سرمایه شده و در نتیجه به نقدشوندگی بازار صدمه بزند که باید در طراحی سازوکار گرفتن مالیات مورد توجه قرار گیرد. سؤالات تحقیق عبارت‌اند از:

### سؤال اصلی:

۱. سازوکار مناسب گرفتن مالیات از معامله‌گران بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

### سؤالات فرعی:

۱. سیستم مالیاتی کارا به چه صورت می‌تواند به هدایت موثر نقدینگی منجر شود؟

۲. ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید چگونه می‌توانند نقش تنظیم‌گری را در بورس اوراق بهادار ایفا کنند؟

۳. چگونه مالیات می‌تواند از هیجانات کاذب و نوسانات اخلاص‌زا جلوگیری کند؟

در این تحقیق ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای، پیشینه پژوهش مالیات ستانی در بورس اوراق بهادار مورد واکاوی قرار گرفته و ادبیات مودنظر و پیشینه پژوهش استخراج شده است. سپس روش تحقیق مبتنی بر تحلیل مضمون به تفصیل تبیین شده است. در این روش در گام اول مصاحبه با خبرگان حوزه اقتصاد کلان و مالیه عمومی صورت پذیرفته و داده‌های موردنیاز برای تعیین مضامین پایه جمع‌آوری شده است. در قدم بعدی با استفاده از مضامین پایه، ده مضمون سازمان‌دهنده استخراج شده و در گام نهایی مضامین فراگیر معرفی شده‌اند. مضامین مذکور مبنای تبیین سازوکار پیشنهادی در قسمت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش هستند.

## ۲. ادبیات پژوهش

مسئله اساسی بودجه، تصمیم‌گیری در مورد منابع محدود است. ازسوی دیگر، بودجه دولت به عاملان اقتصادی، سیاسیون و مردم علامت می‌دهد که دولت از لحاظ اقتصادی و مالی برای سال آینده چه برنامه‌ای دارد و چگونه جهت‌گیری خواهد کرد. پس، بودجه افزون‌بر سند اولویت‌بندی و سیاست‌گذاری، سند علامت‌دهی هم هست (آتش‌بار، ۱۳۹۸).

برای اینکه بودجه کشور متوازن باشد باید برای انبوه هزینه‌های دولت، به‌دنبال درآمدهای پایدار بود. یکی از درآمدهای پایدار دولت، مالیات است. در مورد یک سیستم مالیاتی جهت کسب درآمد پایدار مالیاتی باید یک سری اصول رعایت شود تا این سیستم به‌صورت پویا به وظیفه خود عمل کند. این اصول عبارت‌اند از: خنثی بودن مالیات از نظر اقتصادی (یعنی سیستم مالیاتی نباید بی‌جهت باعث منحرف شدن انتخاب‌ها در مورد این موضوع شود که چقدر درآمد به دست آید و چگونه هزینه شود)، نرخ‌های پایین مالیات، عدالت مالیاتی (هم عدالت افقی، یعنی شمول تمامی افراد و هم عدالت عمودی، یعنی گرفتن مالیات متناسب با درآمد افراد)، ساده‌سازی سیستم مالیاتی، ادراک یا احساس عدالت (از منظر مؤدیان) و تعدیل نسبت به تورم (درویشی، ۱۳۹۵).

نظام مالیاتی کشور در سال‌های پس از انقلاب تاکنون شاهد تحولات بسیاری بوده است. در سال‌های ابتدایی انقلاب، نظام مالیاتی کشور تا حدی تحت تأثیر مسائل مربوط به جنگ قرار گرفت. باوجوداین، طی این دوران هم اقدامات مهمی در زمینه مالیات‌ها انجام شد. اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم به هدف تثبیت اقتصادی و تأمین هزینه‌های جنگ در اسفند ماه سال ۱۳۶۶

یکی از تحولات مهم در این دوران است. پس از آن تحولات اساسی در قوانین و ساختار مالیاتی کشور در برنامه سوم توسعه مدنظر قرار گرفت. در اسفند سال ۱۳۸۰ با اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و به‌موجب آن تشکیل سازمان امور مالیاتی، نظام مالیاتی کشور دچار اصلاحات ساختاری و تشکیلاتی گسترده‌ای شد. در اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم عناصر مهمی از جمله تشویق به تولید، سرمایه‌گذاری در جهت توسعه اقتصادی، گسترش نظام مالی دولت بر تنگناهای اقتصادی برای استقرار انضباط مالی، اصلاح مدیریت مالیاتی، توجه به عدالت مالیاتی و استقرار سازمان مالیاتی مدنظر قرار گرفت.

به نظر می‌رسد برای افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، افزودن نرخ‌های مالیاتی در پایه‌های مالیاتی موجود موجب نارضایتی و کاهش رفاه مصرف‌کننده و مؤدی مالیاتی شود؛ بنابراین راهکار بهینه افزودن پایه‌های مالیاتی جدید است. پایه‌های مالیاتی با اهداف مختلفی مانند افزایش منابع عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی و تنظیم فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی به‌کار گرفته می‌شود. یکی از محل‌هایی که پتانسیل ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید را دارد بورس اوراق بهادار تهران است. مالیات سود سرمایه‌ای، مالیات سود تقسیمی، مالیات بر نقل و انتقال سهام و مالیات بر ثروت از انواع پایه‌های مالیاتی متداول هستند که توضیحی برای هر یک داده خواهد شد:

**الف. مالیات بر سود سرمایه‌ای:**<sup>۱</sup> این نوع مالیات، بر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در ارتباط با تصرف دارایی سرمایه‌ای دریافت می‌شود. عایدی سرمایه مابه‌التفاوت مبلغ خرید دارایی به‌علاوه بعضی هزینه‌ها در بازه زمانی نگهداری از دارایی و مبلغ فروش آن دارایی می‌باشد. مالیات بر سود سرمایه برابر است با درصدی معین از درآمدهای سرمایه به‌صورت سالیانه. توجه به این نکته ضروری است که مالیات بر درآمد سرمایه فقط در شرایطی اعمال می‌شود که دارایی مربوطه به فروش برسد و از آن درآمد کسب شود. در شرایطی که دارایی در اختیار مالک است، هیچ مالیاتی را شامل نمی‌شود. در یک نتیجه کلی، همه کالاها و اجناس که خرید و فروش آنها یک نوع دلالتی به‌شمار می‌رود، مشمول مالیات بر عایدی سرمایه می‌شوند. از مهم‌ترین و اساسی‌ترین منابع مالیات بر عایدی سرمایه، می‌توان به مالیات بر درآمد مسکن و مالیات بر درآمد سهام اشاره کرد. بعد از مسکن، بزرگ‌ترین منبع وصول مالیات بر درآمد سرمایه، مالیات بر درآمد اوراق بهادار و سهام می‌باشد (عسگری، ۱۳۹۲).

1. Capital gain tax

ب. مالیات بر سود تقسیمی<sup>۱</sup>: در این نوع مالیات، سهامداران باید درصدی از سود سالانه تقسیمی دریافتی از شرکت سرمایه‌پذیر را به‌عنوان مالیات پرداخت کنند. در رابطه با توازن نرخ مالیات بر سود سرمایه‌ای و مالیات بر سود تقسیمی باید دقت کرد. اگر این دو نرخ فاصله زیاد از حد متعارف داشته باشند، به‌نوعی راه برای فرار مالیاتی و ایجاد یک سیستم مالیاتی ناکارا فراهم می‌شود.

در دنیا از سیستم‌های مختلفی جهت گرفتن مالیات سود تقسیمی در تعامل با مالیات بر سود شرکت‌ها استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: الف. نظام جداگانه یا (کلاسیک) مالیات بر شرکت‌ها؛ ب. نظام کسور سود سهام پرداختی؛ ج. سیستم‌های نرخ دوگانه؛ د. نظام کسور سود سهام دریافتی (یا معافیت سود سهام)؛ ه. نظام‌های انتساب؛ و. نظام ادغام کامل که توضیحات در مورد هر کدام پژوهشی مجزا می‌طلبد (Graeme S. Cooper and Richard K. Gordon, 1998).

ج. مالیات بر نقل و انتقال سهام<sup>۲</sup>: در حال حاضر از هر نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار و همچنین دیگر اوراق بهاداری که در بورس معامله می‌شوند، مالیات مقطوعی به میزان «نیم درصد» ارزش فروش سهام و حق تقدم سهام دریافت می‌شود. کارگزاران بورس مکلف هستند مالیات یادشده را در هنگام هر نقل و انتقال، از «انتقال دهنده» وصول نمایند و به حساب تعیین‌شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند و ظرف مدت ده روز از تاریخ انتقال، رسید آن را به همراه فهرستی که حاوی تعداد و مبلغ فروش سهام مورد انتقال است، به اداره امور مالیاتی محل ارسال نمایند.

د. مالیات بر ثروت<sup>۳</sup>: مالیاتی است که در آن پایه و منبع مالیاتی را دارایی یا ثروت دارنده ملک، تشکیل می‌دهد. به‌دیگرسخن، بر آنچه دارنده پیش‌تر به دست آورده و انباشته است، یا به او به ارث می‌رسد، تعلق می‌گیرد. مالیات بر دارایی عموماً به‌عنوان مکانیسمی برای تعدیل ثروت به کار گرفته می‌شود و بیشتر در جوامعی کاربرد دارد که اختلاف فاحشی در دارایی و ثروت افراد آن جامعه وجود داشته باشد، یا فقط در مواردی خاص اعمال می‌شود که به‌وسیله مالیات بر درآمد نتوان از آن منابع مالیات گرفت. شایان ذکر است در حال حاضر در بورس اوراق بهادار تهران نرخ مالیات سود سرمایه‌ای، مالیات سود تقسیمی و مالیات بر ثروت صفر است و فقط به میزان ۵/۰ درصد مالیات نقل و انتقال سهام گرفته می‌شود (عسگری، ۱۳۹۲).

ازسوی دیگر از سال ۹۹ تا به حال مجموع ارزش معاملات و حجم معاملات انجام‌شده در بورس اوراق بهادار و فرابورس رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته است و این موضوع پتانسیل ایجاد

1. Dividend tax  
2. Transaction tax  
3. Wealth Tax

درآمدهای سالم برای دولت از طریق وضع پایه‌های مالیاتی همچون مالیات بر سود سرمایه‌ای و مالیات بر سود تقسیمی را آشکارتر می‌کند. ارزش معاملات بورس و فرابورس در چند سال اخیر در نمودار ۱ به تصویر کشیده شده است:



نمودار ۱. ارزش معاملات بورس و فرابورس

با وجود تمامی نکات پیش گفته، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید در بورس اوراق بهادار تهران به بحثی چالشی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که موافقان و مخالفان جدی دارد که سعی می‌شود اهم نکات مدنظر ایشان بررسی شود:

**الف. دیدگاه و دلایل موافقان:** ۱. میزان منابعی که این بازارها دارند بسیار بیشتر از سهم آنها در رفاه اقتصادی است. در واقع طی یک دوره معین منابعی که در بازارهای مالی دست به دست چرخیده می‌شود بسیار بیشتر از ارزش معاملات واقعی آنهاست؛ پس باید سهم خودشان در رفاه را به صورت مالیات بدهند؛ ۲. جلوگیری از بی‌ثباتی و نوسان با کاهش سفته‌بازی؛ در واقع در اینجا هدف از وضع مالیات جلوگیری از فعالیت‌های سوداگرانه مخرب و برهم زنده نظم بازار است؛ ۳. جلوگیری از نابرابری در توزیع درآمد و ثروت؛ با افزایش حجم و ارزش معاملات به ویژه در دوران رونق بورس درآمدهای کلانی به دست می‌آید که می‌توان با وضع پایه‌های مالیاتی مناسب بخشی از این درآمد را بازتوزیع کرد و اثرات نامطلوبی همچون کاهش فاصله طبقاتی و توسعه پایدار و متوازن اقتصادی را پدید آورد؛ ۴. افزایش درآمدهای دولت با پایه‌های اندک بر معاملات بسیار بزرگ؛ شاید مهم‌ترین اثر وضع پایه‌های مالیاتی توضیح داده شده در بورس، کاهش کسری بودجه و به طور مشخص کاهش کسری تراز عملیاتی از طریق ایجاد درآمدهای پایدار و باکیفیت برای دولت باشد.

**ب. دیدگاه و دلایل مخالفان:** ۱. وضع مالیات موجب خروج نقدینگی از بازار سرمایه و ایجاد تلاطم در بازارهای موازی خواهد شد. از این نکته می‌توان نتیجه گرفت که برای طراحی یک الگوی گرفتن مالیات مناسب و کارا باید برای بازارهای موازی و انواع پایه‌های مالیاتی موجود یا غیر موجود در آن تدبیر کرد؛ به گونه‌ای که با وضع مالیات در بورس موجبات خروج نقدینگی فراهم نشود؛

۲. حجم معاملات را به میزان قابل توجهی کاهش خواهد داد. عده‌ای از مخالفان این نکته را در نظر دارند که با وضع چنین سیستم مالیاتی جدیدی افراد در انجام معاملات آزادی عمل خود را از دست می‌دهند؛ به نحوی که دیگر مانند قبل به انجام معامله نمی‌پردازند و چه بسا درآمد مالیاتی دولت از محل نقل و انتقال سهام هم کمتر از سابق شود؛<sup>۳</sup> کارایی بازار را تحت الشعاع قرار می‌دهد. کارایی بازار سرمایه در سه قسم تعریف می‌شود که در اینجا منظور از کارایی، کارایی اطلاعاتی است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳).

### ۳. پیشینه پژوهش و نوآوری

ضیائی بیگدلی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان آثار مالیات بر نقل و انتقال سهام با بهره‌گیری از تجربه عملی برخی از کشورهای خارجی در این زمینه به اثرات احتمالی مالیات بر نقل و انتقال سهام در ایران پرداخته است. وی در ادامه با اشاره به نظرات موافقان و مخالفان، سعی می‌کند این پایه مالیاتی را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده و آنها را تبیین کند.

نصیری اقدم و همکاران (۱۳۹۱) در یک طرح پژوهشی تحت عنوان اصلاح سیستم مالیاتی با رویکرد بهبود محیط کسب و کار می‌نویسند هدف از این تحقیق ارزیابی نظام مالیاتی ایران از منظر هزینه‌های صاحبان کسب و کار و ارائه راهکارهایی جهت کاهش بار مالیاتی مؤدیان حقوقی خصوصی است.

عسگری (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی انواع مالیات در بورس‌ها، ضمن معرفی پایه‌های مالیاتی که کشورها در بورس وضع می‌کنند و بررسی موردی آنها می‌نویسد در بیشتر کشورهای دنیا، مالیات بر درآمد از مهم‌ترین منابع درآمد دولت‌ها برای تأمین مخارج و هزینه‌های جاری محسوب می‌شود. مالیات‌های مقرر شده در بورس اوراق بهادار، شامل مالیات بر پذیرش شرکت‌ها در بورس‌ها، مالیات بر داد و ستد اوراق بهادار، مالیات بر سود تقسیمی شرکت‌های سهامی، مالیات بر سود سرمایه‌ای و غیره است.

نصیری اقدم و همکاران (۱۳۹۹) در یک طرح پژوهشی تحت عنوان «طراحی الگوی مناسب مالیات بر درآمد اشخاص و شبیه‌سازی آثار درآمدی و توزیعی آن» می‌نویسند مالیات بر درآمد اشخاص یکی از مناسب‌ترین ابزارهای کسب درآمد برای دولت و اصلاح توزیع درآمد در جامعه است. کوپر و گوردون<sup>۱</sup> در کتابی تحت عنوان طراحی و ویرایش قانون مالیات‌ستانی (۱۹۹۸) در فصل نوزدهم به رابطه متقابل بین مالیات‌ستانی سود تقسیمی از شرکت‌ها و سهامداران می‌پردازند و

1. Graeme S. Cooper, Richard K. Gordon



با ارائه شش مدل مختلف برای گرفتن مالیات یادشده سعی می‌کنند موضوع مورد بحث را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده و به تجربیات کشورهای مختلف نیز اشاره کنند. در پایان با ارائه نقاط قوت و ضعف هر یک از شش مدل بیان شده، نظام انتساب<sup>۱</sup> را به عنوان کامل‌ترین نظام معرفی می‌کنند.

شینگ یانگ هو<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «اثرات مالیات بر نقل و انتقال سهام در بورس اوراق بهادار کشورهای هنگ کنگ، ژاپن، کره جنوبی و تایوان» به این نتیجه می‌رسد که وضع مالیات بر نقل و انتقال سهام با وجود احتمال کاهش در قیمت سهام‌ها، بر حجم معاملات و گردش منابع تأثیر بااهمیتی نخواهد داشت.

آکیندایومی<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «مالیات بر عایدی سرمایه و سرمایه‌گذاری‌ها در بورس» به اثرات تغییر نرخ مالیات بر عایدی سرمایه و میزان عایدی ناشی از افزایش قیمت سهام توسط سهامداران می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد در بورس آمریکا میزان عایدی افراد ناشی از افزایش قیمت سهام، نسبت به تغییرات نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در تصمیم برای فروش سهام اثرگذارتر است.

فابین و پتروس<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا گرفتن مالیات بر عایدی سرمایه همیشه برای رشد اقتصادی مضر است؟» نتیجه می‌گیرند استفاده از الگوهای گرفتن مالیاتی کشورهای خارجی می‌تواند کمک کند؛ ولی نباید تقلید صرف صورت پذیرد؛ زیرا شرایط اقتصادی، فرهنگی و قانونی هر کشور متفاوت است و این موارد باید در الگوی پیشنهادی لحاظ شود تا رشد پایدار اقتصادی متبلور شود.

گفتنی است با وجود اینکه پژوهش‌های یادشده هر کدام به نحوی به گرفتن پایه‌های مالیاتی مختلف و سیستم مورد نیاز آن پرداخته‌اند، اما در عمل پژوهشی پیرامون سازوکار گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار با رویکردی جامع و لحاظ تمامی ابعاد صورت نگرفته است که از این نظر می‌توان گفت که پژوهش حاضر منحصر به فرد است.

#### ۴. روش تحقیق

این تحقیق از دسته تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. از لحاظ پارادایم پژوهش نیز این تحقیق از دسته کیفی است. گفتنی است که عمده پژوهش‌های کیفی باید به متن تبدیل شده و تحلیل محتوا شوند؛ زیرا

1. Imputation System

2. Shing-yang Hu

3. Akinloye Akindayomi

4. Fabian ten Kate, Petros Milionis

سرانجام تمامی متن‌هایی که از مصاحبه‌ها یا مشاهده‌ها به دست آمده است، باید تحلیل شوند (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲). برای تحلیل مضمون مورد استفاده در این پژوهش می‌توان گفت ضمن توجه دقیق به متون و ادراک مناسب پژوهش‌های مرتبط، دست به مشاهده نظام‌مند و طبقه‌بندی اشخاص، تعاملات، گروه‌ها، موقعیت‌ها، سازمان‌ها زده و مضامین استخراج و دسته‌بندی شده است. بنابراین، روش مورد استفاده در این پژوهش برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پاسخ به سؤالات پژوهش و همچنین رسیدن به اهداف مدنظر پژوهشگر، روش تحلیل مضمون خواهد بود.

سرانجام برای انجام روش تحلیل مضمون با استفاده از شیوه مصاحبه باز و هدفمند، خبرگان در گروه‌های هدف و از پیش تعیین‌شده مدنظر قرار گرفتند. بنابراین، در این مرحله از هرکدام از گروه‌های هدف مدنظر پژوهشگر، به تعداد مکفی مصاحبه انجام شد؛ به طوری که ایده‌های مطروحه تکراری شده و سؤالات اصلی پژوهش قبلاً پاسخ داده شده باشد. گفتنی است برای اینکه ابعاد مختلف مرتبط با موضوع پژوهش پوشش داده شود، از چندین گروه از خبرگان مصاحبه به عمل آمد که همین گروه‌ها، جامعه‌های هدف پژوهشگر را تشکیل دادند. در ادامه به این گروه‌ها اشاره شده است:

- ❖ متخصصین مالیاتی و اعضا رسمی جامعه مشاوران مالیاتی ایران؛
- ❖ صاحب‌نظران مرتبط با نهاد ناظر (سازمان امور مالیاتی و سازمان بورس و اوراق بهادار)؛
- ❖ متخصصین حاضر در بازار سرمایه؛
- ❖ استادان دانشگاه و پژوهشگران.

##### ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان گروه‌های هدف، پس از رسیدن به حد کفایت پیاده‌سازی شد و کل متون مستخرج از مصاحبه‌ها مطالعه مجدد شد تا کفایت نظری تثبیت شود. در گام بعدی با استفاده از متون پیاده شده بالغ بر ۳۵۰ مضمون پایه استخراج شد. سپس با خوشه‌بندی مضامین پایه، اشتراکات میان مضامین مذکور کشف شده و مبنای مضامین سازمان‌دهنده ایجاد شد. در ادامه پس از بررسی‌های فراوان میان اشتراکات به دست آمده در مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده استخراج شد. در قدم بعدی و به منظور برنامه‌ریزی برای اجرایی کردن راهکارها و خارج کردن آنها از حالت نظریه صرف، مضامین در سه دسته راهکارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تحت عنوان مضامین فراگیر دسته‌بندی شدند که در ادامه به تفصیل به آنها پرداخته می‌شود.

### الف. بهبود توان مدیریتی و اجرایی

شاید به نظر برسد که در سازوکار پیشنهادی دائماً حرف از قوانین و دستورالعمل‌های جدید به میان بیاید؛ درحالی‌که این‌طور نیست و بخش مهمی از طرح پیشنهادی تلاش برای تبیین این مسئله است که در تاریخچه قوانین مالیاتی ایران، طرح‌ها و دستورالعمل‌های خوب کم نبوده ولی دلیل عدم سرانجام مثبت آنها و به نتیجه نرسیدن قوانین، نبود مدیریت صحیح به دلیل عدم انگیزه و یا نداشتن سواد کافی و عدم درک از موقعیت اقتصاد بوده است. بنابراین یکی از گره‌های اصلی موضوع پژوهش عدم اجرای صحیح قوانین به هر دلیلی است. یکی دیگر از شواهد موجود برای تأکید بر بهبود توان مدیریتی و اجرایی کشور بحث فرارهای مالیاتی است که به دلیل نبود سیستم نظارتی مؤثر از سوی نهاد ناظر و همچنین ممیزان مالیاتی که گاه وارد مذاکره‌های فسادانگیز با مؤدیان می‌شوند موضوعی بسیار مهم است و باید برنامه‌ریزی برای رفع حداکثری آن انجام شود (سلامی، ۱۴۰۰).

### ب. الگوبرداری صحیح از کشورهای موفق

استفاده از الگوهای کشورهای خارجی در گرفتن مالیات می‌تواند کمک کند؛ ولی نباید تقلید صرف صورت پذیرد؛ زیرا شرایط اقتصادی، فرهنگی و قانونی هر کشور متفاوت است و این موارد باید در الگوی پیشنهادی لحاظ شود تا رشد پایدار اقتصادی متبلور شود (۲۰۱۹).<sup>۱</sup> کشوری که در حال توسعه محسوب می‌شود نمی‌تواند سیستم مالیاتی کشورهای در حال توسعه را اجرایی کند؛ زیرا آنها در دو مرحله متفاوت از رشد و پیشرفت قرار دارند و گذر از هر مرحله اقتضائات خاص خود را می‌طلبد. اقتضائات بومی یکی از متغیرهای مهم در طراحی سازوکار گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار است. کشور ایران مانند هر کشور دیگری از فرهنگ و آداب و رسوم و به‌ویژه شرایط اقتصادی و سیاسی خاصی برخوردار است؛ از این‌رو در طراحی سازوکار باید این موضوع به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده در نظر گرفته شود.

### ج. علم به چارچوب و ظرفیت مفهوم مالیات

یکی دیگر از مسائل مهم، لزوم کسب آگاهی و دانش عمیق نسبت به ابتدایی‌ترین مفاهیم مالیاتی (مانند تعریف مالیات) تا پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین موضوعات مربوط به طراحی سازوکار گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار است که می‌توان به فهم دقیق از هر یک از پایه‌های مالیاتی مورد

1. Fabian ten Kate, Petros Milionis

بحث و وجه تمایز آنها از یکدیگر اشاره کرد (مثلاً مالیات بر درآمد در بورس اوراق بهادار به چه شکل‌هایی قابل گرفتن است؟). حتی باید تأثیر و تأثرات متقابل مکانیسم گرفتن مالیات در بورس و شرایط کلان اقتصادی به تفصیل تجزیه و تحلیل شود تا مبادا با اقدامات شتاب‌زده و غیرعلمی سازوکاری در جهت عکس توسعه کشور طراحی شود. در این کار می‌توان از ظرفیت دانشگاه‌ها و به‌ویژه پژوهشکده‌ها استفاده کرد. درعین حال باید توجه کرد که حدود و ثغور مالیات مشخص است و با مطالعه ظرافت‌های آن مشخص می‌شود که نمی‌توان تمامی مشکلات اقتصاد را با استفاده از ابزار مالیات حل کرد (سبحانیان، ۱۴۰۰؛ نصیری‌اقدم، ۱۴۰۰؛ زمانی، ۱۴۰۰).

#### د. بسترسازی IT و فناوری اطلاعات

نقش فناوری اطلاعات در سازمان‌های جدید به‌اندازه‌ای پررنگ است که بسیاری از نظریه‌پردازان سازمان، مدیران و تصمیم‌گیران سازمان‌ها را به اتخاذ استراتژی مرتبط با این فناوری‌ها در جهت‌گیری‌های آتی سازمان‌ها توصیه می‌کنند. یکی از پیش‌نیازهای اساسی سازوکار مالیات‌ستانی مدنظر، موضوع فراهم بودن بستر نرم‌افزاری و مباحث مربوط به فناوری اطلاعات است. به‌دیگرسخن برای اینکه مکانیسم پیشنهادی طراحی‌شده به‌خوبی کار کند باید یک گروه مهندسی قوی جهت پیاده‌سازی امکانات نرم‌افزاری آن دیده شود تا با طراحی یک سیستم نرم‌افزاری که ظرفیت حداقل ۶۰ میلیون کاربر را داشته باشد، بستر اجرایی کار را از جهت فناوری اطلاعات تسهیل و تحکیم کند. نرم‌افزار مدنظر باید گنجایش ذخیره داده و اطلاعات برای حداقل ۶۰ میلیون کاربر را داشته باشد تا مشکلی از جهت داده و عدد و ارقام مربوط به افراد در هنگام پیاده‌سازی سازوکار به‌وجود نیاید (سبحانیان، ۱۴۰۰؛ بهزادفر، ۱۴۰۰؛ یاسینی، ۱۴۰۰).

#### ه. ایجاد Data Center یکپارچه و سیستماتیک

یکی از عوامل مهم در طول تاریخچه قانون‌گذاری مالیاتی در ایران که موجبات عدم توفیق در گرفتن مالیات بر درآمد را فراهم آورده است، عدم وجود داده و اطلاعات از مؤدیان است. قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران اصلاحیه‌های اخیر قانون مالیات‌های مستقیم به‌خوبی از ضعف‌ها آگاهی داشته‌اند و دلیل عدم وضع پایه‌های مالیاتی جدید نیز به‌خاطر نبود یک پایگاه داده منسجم و یکپارچه بوده و این توضیحات اهمیت ایجاد چنین سیستم اطلاعاتی را روشن‌تر می‌کند (زمانی ۱۴۰۰؛ سلامی، ۱۴۰۰؛ جمشیدی‌فر، ۱۴۰۰؛ غفارزاده، ۱۴۰۰؛ رستگار، ۱۴۰۰).

### و. اقناع افکار عمومی و توجه به مسائل روان‌شناسی

افکار عمومی به‌عنوان یک مؤلفه بنیادین، معمولاً توسط دولت‌ها در حاشیه نگه‌داشته شده است. دولت‌ها باید بتوانند در یک فضای نرم‌افزاری و فرهنگی، افکار عمومی را اقناع کنند. یکی از مسائلی که باید در سیاست‌گذاری‌ها به آن توجه داشت، التفات به زمینه‌های سیاست‌گذاری از جمله اقناع افکار عمومی است. اگر به مسائل صرفاً نگاه اقتصادی شود و هر مسئله از منظر امر اجتماعی ارزیابی نشود، آنگاه نحوه سیاست‌گذاری‌ها یا نحوه اجرای آن نیز براین اساس تغییر خواهد کرد. توجه به افکار عمومی و همراه کردن حمایت مردم با سازوکار پیشنهادی بسیار مهم و در سرنوشت مکانیسم تأثیر جدی خواهد داشت؛ به طوری که اگر به اقناع افکار عمومی به‌عنوان یکی از بال‌های موفقیت مکانیسم پیشنهادی نگاه نشود، احتمال شکست آن بسیار بالا خواهد بود (سلامی، ۱۴۰۰؛ بهزادفر، ۱۴۰۰).

### ز. بهینه‌سازی مالیات‌ستانی

سازوکار بهینه مدنظر به‌گونه‌ای خواهد بود که هدف، ایجاد بیشترین درآمد پایدار مالیاتی برای دولت است و این بهینه‌سازی با توجه به محدودیت‌هایی رخ خواهد داد که عبارت‌اند از:

۱. رابطه معکوس افزایش نرخ مالیاتی و رفاه سرمایه‌گذار: مالیات را باید از دو جنبه نگرست. یک طرف آن دولت قرار دارد که باید برای تأمین هزینه‌های سالیانه خود در بودجه، منابع مالی تأمین کند. یکی از پایدارترین منابع دولت مالیات است و طبعاً دولت میل دارد هرچه بیشتر آن را اخذ کند؛ اما طرف دیگر سرمایه‌گذارانی در بورس اوراق بهادار حضور دارند که مالیات برای آنها ماهیت هزینه دارد و درآمد آنها را می‌کاهد بنابراین پرواضح است که کاهش رفاه آنها باشد.
۲. توسعه و پیشرفت اقتصاد: سازوکار پیشنهادی گرفتن مالیات در بورس فقط با هدف درآمدزایی برای دولت طراحی نشده است؛ بلکه با یک نگاه سیستمی و کلان، به‌عنوان یک مکانیسم خرد در انبوهی از مکانیسم‌ها که ساختار کلی اقتصاد را شکل می‌دهند دیده می‌شود که قاعدتاً باید تمامی این خرده سازوکارها در اختیار و هم‌راستا با هدف کلان اقتصاد باشد.
۳. تنظیم سود به ریسک بازارها: اگر مالیات به یک نسبت وضع نشود، نظم نسبت سود تنظیم به ریسک در تمام بازارهای مختلف مختل می‌شود و از محل آن اختلال، سفته‌بازی اختلال‌زا رخ می‌دهد و همان‌طوری که اختلال بر قیمت نسبی، بازار کالا را به هم می‌زند، اختلال در سود تنظیم به ریسک نسبی بازارهای مالی را به هم خواهد زد.
۴. خنثی بودن مالیات‌ستانی: به نظر می‌رسد برای تحقق این هدف باید پایه‌های مالیاتی که در

سازوکار پیشنهادی برای بازار سرمایه در نظر گرفته شده است، در تمامی بازارهای دارایی وضع شود؛ ولی با در نظر گرفتن این نکته اساسی و زیربنایی که جذابیت بازارها را دستخوش تغییر نکند و اصطلاحاً خنثی عمل کند.

۵. **عدم دستکاری عرضه و تقاضا:** در سازوکار پیشنهادی باید فرایندها به گونه‌ای اتخاذ شوند که اختلالی در عرضه و تقاضا در بازار سرمایه ایجاد نکنند.

۶. **رابطه معکوس افزایش نرخ مالیاتی و درآمدزایی دولت:** منحنی لافر نشان می‌دهد که با افزایش نرخ مالیاتی درآمد دولت از محل جمع‌آوری مالیات افزایش می‌یابد. هرچند این افزایش درآمد دارای محدودیتی است و چنانچه نرخ‌های مالیاتی از نقطه خاصی تجاوز کنند درآمدهای مالیاتی تنزل خواهد نمود؛ زیرا با وجود نرخ‌های مالیاتی بالا مردم انگیزه کار کردن را از دست خواهند داد.

۷. **گرفتن مالیات مضاعف:** در کل سازوکار پیشنهادی باید توجه شود که مبادا با وضع مالیات مضاعف بر سرمایه‌گذاران فشار اضافی وارد شود.

۸. **فرار مالیاتی:** فرار مالیاتی را باید از دو جنبه موشکافی کرد. یکی اینکه قانون‌گذاران به نحوی فرایندهای مکانیسم را طراحی می‌کنند که غیر واقعی بوده، که در این صورت مؤدیان به هر طریقی شده دنبال فرار مالیاتی خواهند بود. گاه نیز با وجود قانون‌گذاری صحیح و شنیدن صدای سهامداران، باز هم افرادی به دنبال فرار مالیاتی هستند که در اینجا باید در سازوکار پیشنهادی ابزار نظارتی و در مرحله بعد ابزار تنبیهی لحاظ شود.

۹. **هزینه معاملاتی:**<sup>۱</sup> مالیات بر تبادل هر چیزی از جمله اوراق مالی مثل سهام هزینه دارد و افزایش دهنده هزینه معاملاتی است. مالیات بر تبادل آسیب‌زننده است چون باید سازوکار مالیاتی طوری باشد که درآمد دولت متناسب با ارزش افزوده‌ی خلق شده باشد.

۱۰. **هدایت منابع و نقدینگی به بخش مولد:** در کلان اقتصاد مالیات دارای ظرفیتی است که سازمان امور مالیاتی به نحوی نرخ پایه‌های مالیاتی را در بازارهای دارایی مختلف تنظیم کند که منابع سرمایه‌گذاران از سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و سوداگرانه اخلاصاً به سمت بازارها و فعالیت‌هایی برود که در بلندمدت به رشد اقتصادی منجر شود و چرخه تولید را راه بیندازد.

۱۱. **عدم غفلت از سایر کارکردهای مالیات:** دولت به واسطه مالیاتی که می‌گیرد یک سری وظایفی را برعهده دارد. یکی از آنها تخصیص منابع است. وظیفه دیگر توزیع درآمد است و وظیفه آخر نیز ثبات بخشی به اقتصاد است که باعث جلوگیری از نوسانات می‌شود.

1. transaction cost

۱۲. عدم ایجاد اختلال در مدیریت بنگاه: شرکتی که نکول می‌کند مدیریتش مختل می‌شود؛ چون سازوکار شخص حقوقی نوین به این ترتیب است که او مدیریت خود را وثیقه تسهیلات قرار می‌دهد و وقتی که نکول می‌کند مدیریت آن مختل می‌شود. بنابراین اختلال در مدیریت بنگاه‌ها توسط سازمان مالیاتی برای رشد اقتصادی مضر است.

### ح. ملاحظات صلاح‌دیدی سیاستگذار

ملاحظات و نکاتی که در قسمت بهینه‌سازی مالیات‌ستانی به آنها اشاره شد، مواردی هستند که براساس اصول اقتصادی و نظرات متخصصان و خبرگان باید پایه و زیربنای سازوکار پیشنهادی را شکل دهند؛ اما یک سری ملاحظاتی وجود دارد که نیاز به بررسی شرایط اقتصادی روز دارند و ممکن است از دوره‌ای به دوره دیگر تغییر کنند و براساس صلاح‌دیدی سیاستگذار ممکن است موقتاً وارد فرایندهای سازوکار شوند و یا از آن موقتاً خارج شوند. این ملاحظات عبارت‌اند از:

۱. نرخ مالیات تصاعدی: سیاستگذار می‌تواند به صلاح‌دیدی خود و با توجه به اهداف مدنظر، نرخ مالیات را در قالب یک جدول تعریف کند؛ بدین صورت که با افزایش میزان عایدی سهامداران از سهام تحت تملک خود، نرخ مالیاتی که به عایدی آنها تعلق می‌گیرد بیشتر شود. البته باید توجه شود که نرخ رشد مالیات بر عایدی باید نزولی باشد تا انگیزه سرمایه‌گذاری را مخدوش نکند و موجب فرار سرمایه نشود.

۲. تورم: مالیات باید از درآمد واقعی سهامداران گرفته شود؛ یعنی ابتدا باید تورم از دل درآمد خارج شود و سپس مالیات بر درآمدهای اکتسابی گرفته شود. البته نظر دیگر این است که پیشنهاد می‌شود خریدهای روزانه و یا در مدت زمان بسیار محدود از این قاعده مستثنا شوند؛ ولی در مورد معاملات بلندمدت قضیه متفاوت است و باید تورم را از مجموع درآمد خارج کرد.

۳. زیان سرمایه: اینکه زیان سرمایه باید لحاظ شود یک مسئله قطعی است و شکی در آن نیست؛ اما مسئله در اینجا است که با چه چیزی زیان سرمایه جبران شود؟ آیا فقط با عایدی سرمایه جبران شود یا اینکه در راستای جبران زیان سرمایه کل درآمدهای فرد در نظر گرفته شود؟ یا اینکه آیا هزینه قابل قبول آینده‌نگر هم دیده شود یا فقط نگاه گذشته‌نگر کافی است؟ منظور این است که زیان سرمایه فقط برای سودهای سال مالی که گذشته است در نظر گرفته شود یا اگر فرد در این سال گذشته سود نداشت و سال بعد سود کرد، این زیان برای سال بعد هم قابل قبول باشد؟ اینها همه بحث‌هایی است که باید هر کدام در موردش بحث جدی انجام شده و در سازمان امور مالیاتی تصمیم‌گیری نهایی انجام شود.

۴. **مسئولیت جمع‌آوری مالیات سهامداران:** در این قسمت صحبت از مسئول گرفتن مالیات و تحویل آن به سازمان امور مالیاتی است. آیا شرکت سهامی مسئولیت آن را باید برعهده بگیرد یا فرد سهامدار شخصاً مالیاتش را پردازد؟ اینجا نیز به نظر سیاستگذاران بستگی دارد و نمی‌توان نسخه واحد پیچید.

۵. **تأثیرگذاری زمان:** نکات مربوط به زمان و اثرگذاری آن بر سازوکار پیشنهادی، در قالب این چهار ملاحظه بررسی می‌شود: ملاحظه اول زمان اجرای سازوکار است. به نظر می‌رسد زمان عملیاتی کردن و اجرایی‌سازی سازوکار در موفقیت آن و به ثمر رسیدن آن بسیار حائز اهمیت باشد. هم از جهت آماده کردن ذهن و ادراک سهامداران و هم از لحاظ شرایط اقتصادی که بهتر است در دوره‌ای مکانیسم اجرایی شود که شوک به اقتصاد وارد نکند؛ ملاحظه دوم تقدم و تأخر اجرا است. سیاستگذار باید تصمیم بگیرد که با توجه به اهدافی که از پیاده‌سازی سازوکار دارد، در کدام بازار زودتر آن را اجرایی کند. در مورد اینکه چنین سازوکاری باید در تمامی بازارهای دارایی فراگیر باشد توافق وجود دارد ولی زمان اجرا در هر یک را باید سیاستگذار تعیین کند؛ ملاحظه سوم کاهش نرخ پایه مالیاتی در بلندمدت است. این موضوع نیز موافقان و مخالفان خود را دارد. موافقان می‌گویند از این طریق سفته‌بازی‌های اخلاقی با بالا رفتن هزینه معاملات کنترل می‌شود. در طرف دیگر مخالفان معتقد هستند با این کار نوعی بی‌عدالتی رخ خواهد داد؛ زیرا افرادی که ثروت کمتری دارند و مجبور به فروش سهام خود می‌شوند مورد ظلم واقع می‌شوند؛ ولی ثروتمندان به راحتی از این یارانه پنهان دولت با نگه داشتن سهام خود منتفع می‌شوند. همچنین این کار اثر قفل‌شوندگی دارایی را دارد و با قفل شدن پول سهامداران، عرضه و تقاضا دچار اختلال می‌شود و بازار را دچار نوسان و تلاطم می‌کند. ملاحظه چهارم زمان گرفتن مالیات است؛ اینکه نرخ مالیاتی مدنظر پس از هر خرید و فروش گرفته شود یا اینکه سال مالی تعریف شود و در پایان سال مالی به صورت یکجا گرفته شود، مسئله بعدی است که سیاستگذار باید در مورد آن تصمیم بگیرد.

۶. **معافیت‌ها:** برخی معتقدند هر نوع استثنایی به ضرر اقتصاد است و آن را رانت‌پاشی می‌دانند. برخی نیز معتقدند هیچ معافیتی نباید باشد، مگر آن معافیتی که منابع را به سمت بخش مولد اقتصاد هدایت کند. برخی صاحب‌نظران نیز می‌گویند برای حمایت از اقشار ضعیف خوب است مثلاً تا سقف ۱۰ میلیون عایدی، مالیاتی گرفته نشود. به هر حال جمع‌بندی در این مورد براساس صلاحدید سیاستگذار خواهد بود.

۷. **ایجاد تمایز بین اشخاص حقیقی و حقوقی:** برخی معتقدند باید با توجه ماهیت کار و اهداف هر گروه از اشخاص حقیقی یا حقوقی و همچنین تفکیک درون‌گروهی بین اشخاص



حقوقی مثل شرکت‌های تأمین سرمایه، شرکت‌های مشاور سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سبدگردان، کارگزاری‌ها و لیزینگ‌ها به گونه‌ای پایه‌های مالیاتی وضع شود که در عین تأمین مالی دولت، اشخاص یادشده را با مشکل مواجه نکند و به کارایی بازار و حجم معاملات آسیب نرساند. از طرف دیگر برخی از متخصصان امر اعتقاد دارند که هیچ تفاوتی بین اشخاص حقیقی و حقوقی وجود ندارد و باید فرایند یکسانی برای آنها اجرایی شود؛ زیرا که لحاظ کردن چنین ریزه‌کاری‌هایی ضروری نیست و فقط فرایند و سازوکار گرفتن مالیات را با پیچیدگی مواجه می‌کند.

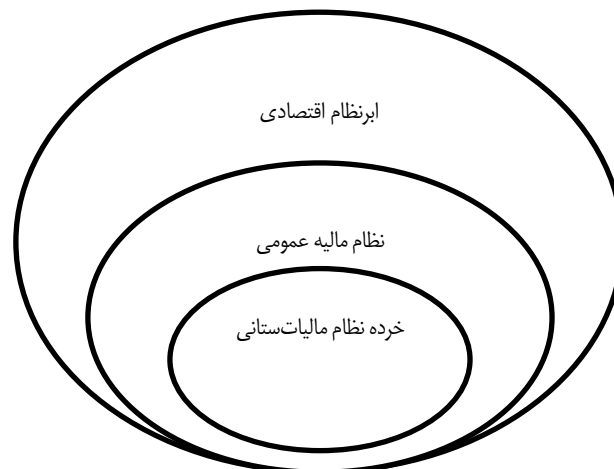
۸. نوع نگاه متقابل به سهامداران و شرکت: دو دیدگاه وجود دارد در این‌جا، برخی نگاه یکپارچه<sup>۱</sup> دارند؛ یعنی می‌گویند مالیاتی که شرکت از محل سود خالص می‌دهد، دیگر نباید مالیات جداگانه‌ای به اسم مالیات بر سود توزیعی گرفته شود. در مقابل افرادی هستند که سهامداران را اشخاصی با مسئولیت محدود می‌دانند و برای همین معتقدند باید مالیات جداگانه از آنها گرفته شود.

#### ط. پیش‌نیازهای ساختاری اقتصاد

برای اینکه طراحی یک سازوکار در هر قسمتی از اقتصاد جوابگو باشد و پیاده‌سازی آن موفقیت‌آمیز باشد، نیاز است تا پیش‌نیازهایی در اقتصاد قبل از اجرایی کردن آن مکانیسم وجود داشته باشد و به خوبی کار کند. در واقع پیش‌نیازها در اقتصاد به مثابه بتن‌هایی می‌ماند که قرار است یک ساختمان ۳۰ طبقه بر روی آن بنا شود؛ اگر آن بتن و زیرسازی خوب انجام نشده باشد و معمار در ساخت آن دقت نکرده باشد، هرچقدر هم طبقات ساختمان با ظرافت‌کاری و هزینه سنگین ساخته شود هر لحظه ممکن است با یک زلزله نه‌چندان زیاد فرو بریزد.

#### ی. توجه به شرایط کلان اقتصادی

یکی از لازمه‌های طراحی سازوکار گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار تهران، داشتن نگاه سیستمی است. پیچیدگی روزافزون جوامع و نظام‌های اجتماعی هر روز بیش‌ازپیش ضرورت نگرش سیستمی را در برخورد با مسائل و در برنامه‌ریزی‌ها آشکار می‌کند. بنابراین باید سازوکار یادشده را به‌عنوان یک خرده‌نظام از کل اقتصاد در نظر گرفت که حکم ابرنظام را دارد. طبق این تعریف طبیعتاً نیاز است خرده‌نظامی تحت عنوان سازوکار مالیات‌ستانی در بازار سرمایه هم‌راستا و هم‌جهت با ابرنظامی به اسم شرایط اقتصاد کلان کشور باشد. توضیحات پیش را می‌توان به شکل زیر درآورد:



شکل ۱. شماتیک سیستمی نظام اقتصادی

بنابراین باید با نگاه به توسعه و پیشرفت اقتصاد سازوکار مدنظر را طراحی کرد و از وضع پایه‌های مالیاتی چشم پوشید که با نگاه توسعه‌ای به اقتصاد در تضاد هستند. براساس توضیحات ارائه شده و رهنمودهای سیاستی تبیین شده پیش و بر مبنای نظرات خبرگان در خصوص عملیاتی کردن سازوکارهای پیشنهادی گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار تهران، ملاحظات موجود جهت پیاده‌سازی سازوکار پیشنهادی گرفتن مالیات از لحاظ اولویت‌های زمانی، در سه چشم‌انداز «اقدامات کوتاه‌مدت»، «اقدامات میان‌مدت» و «اقدامات بلندمدت» به صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند:

جدول ۱. ملاحظات طراحی سازوکار مالیات ستانی در بورس اوراق بهادار

بهبود توان مدیریتی و اجرایی	اقدامات کوتاه‌مدت	اولویتهای زمانی طراحی سازوکار گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار تهران و ارائه رهنمودهای سیاستی
الگوپردازی صحیح از کشورهای موفق		
علم به چارچوب و ظرفیت مفهوم مالیات		
بسترسازی IT و فناوری اطلاعات	اقدامات میان‌مدت	
ایجاد Data Center یکپارچه و سیستماتیک		
اقتناع افکار عمومی و توجه به مسائل روان‌شناسی		
بهبودسازی مالیات ستانی	اقدامات بلندمدت	
ملاحظات صلاح‌دیدی سیاستگذار		
پیش‌نیازهای ساختاری اقتصاد		
توجه به شرایط کلان اقتصادی		

در ادامه سعی خواهد شد با توجه به ملاحظات پیش گفته و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای اعم از مقالات و کتاب‌های داخلی و خارجی و همچنین ایده‌ها و نظراتی که در مصاحبه‌ها توسط خبرگان

ارائه و استخراج شده است، به ارائه سازوکار نهایی پرداخته شود. منظور از سازوکار گرفتن مالیات در این پژوهش و به ویژه در این بخش، ارائه پیشنهاد نهایی پژوهشگر در خصوص وضع یا عدم وضع پایه‌های مالیاتی مورد بحث شامل مالیات بر سود تقسیمی، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر نقل و انتقال سهام و مالیات بر ثروت است. همچنین، سازوکار پیش‌گفته شامل طرح نکاتی در خصوص اثرات متقابل پایه‌های مالیاتی مدنظر و همچنین چگونگی گرفتن آنها به صورت کارا می‌باشد که در ادامه اشاره خواهد شد.

جمع‌بندی مطالعات نظری صورت گرفته، به همراه نظرات و ایده‌هایی که از طریق مصاحبه با خبرگان به دست آمد و در مطالب پیش به تفکیک به آنها اشاره شد، این است که می‌توان پایه‌های مالیاتی مدنظر پژوهشگر، جهت گرفتن در بورس اوراق بهادار تهران را در قالب سه دسته بررسی کرد: دسته اول را مالیات سود شرکت‌ها و مالیات سود تقسیمی تشکیل می‌دهند. قرار گرفتن این دو پایه در یک گروه بدین جهت است که با یکدیگر تعامل دارند و وضع یکی از آنها، دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال در حال حاضر به صورت اسمی بیست درصد مالیات بر سود شرکت‌ها گرفته می‌شود؛ ولی حقیقت آن است که این بیست درصد به نوعی مجموع مالیات سود شرکت‌ها و مالیات سود تقسیمی را شامل می‌شود. به اذعان صاحب‌نظران مالیاتی در حال حاضر شرایط زیرساختی و اطلاعاتی بهبود پیدا کرده و امکان برقراری مالیات بر سود تقسیمی وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود به تدریج مالیات سود شرکت‌ها از بیست درصد به بازه پانزده تا ده درصد حرکت کرده و مابه‌التفاوت این نرخ تا نرخ بیست درصد در قالب سود تقسیمی از سرمایه‌گذاران گرفته شود.

دلیل پیشنهاد چنین سازوکاری در این گروه از پایه‌های مالیاتی این است که با وضع مالیات بر سود تقسیمی، میل به تقسیم سود از سوی سرمایه‌گذاران کم شده؛ زیرا مالیات ماهیتاً موجب کاهش رفاه سرمایه‌گذار و کاهش سود دریافتی وی خواهد شد و ترجیح می‌دهد منابع در شرکت باقی مانده و با ایجاد توسعه در شرکت از عواید ناشی از آن در قیمت سهم بهره‌بردارد. البته باید دقت شود که برای به ثمر رسیدن این پیشنهاد باید نرخ مالیات بر عایدی سرمایه که در ادامه بحث خواهد شد، از نرخ مالیات سود تقسیمی کمتر باشد. نکته بعد اینکه باید توجه شود لزوماً همه شرکت‌ها توانایی و ظرفیت ایجاد توسعه را ندارند و نباید اجازه اجرای طرح‌هایی را داد که توجیه اقتصادی ندارند.

دسته دوم در مورد مالیات بر نقل و انتقال و مالیات بر عایدی سرمایه خواهد بود. در قسمت ملاحظات ذکر شد که به دلیل موانعی همچون عدم وجود پایگاه داده سیستماتیک و یکپارچه و

ضعف در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، امکان گرفتن مالیات بر عایدی سرمایه وجود نداشت و به همین دلیل در اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم، مالیات بر عایدی سرمایه حذف و به جای آن مقرر شد از تمامی معاملات در زمان فروش، نیم درصد مالیات بر نقل و انتقال گرفته شود. پرواضح است که چنین سیاستی از عدالت به دور است؛ زیرا حتی شخصی که در معامله خود زیان کرده نیز باید مالیات بدهد؛ بنابراین باید در پی اصلاح این پایه مالیاتی برآمد. در حال حاضر وجود سیستم ITS در سازمان امور مالیاتی گامی روبه جلو و مثبت ارزیابی می‌شود و به نظر می‌رسد فضا برای گرفتن مالیات بر عایدی هم از جهت سخت‌افزاری و هم از نظر نرم‌افزاری فراهم شده است؛ هرچند کامل نیست و باید به مرور زمان و در حال اجرا کامل شود.

بنابراین، پیشنهاد پژوهشگر در این گروه از پایه‌ها با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیقات و مصاحبه‌های انجام شده این است که مالیات بر عایدی سرمایه گرفته شود و در کنار آن مالیات بر نقل و انتقال به میزان بسیار اندکی گرفته شده و به تدریج به طور کامل حذف شود تا با کاهش هزینه‌های معاملاتی، کارایی تخصیصی بازار افزایش یابد. همچنین نرخ این پایه مالیاتی باید اندک باشد؛ زیرا نرخ مالیاتی بالا اثر معکوس بر درآمد دولت از محل مالیات خواهد داشت و فساد و فرار مالیاتی را افزایش می‌دهد.

افزون بر این در مقایسه با نرخ مالیات بر سود تقسیمی نیز پایین‌تر باشد تا هدف توسعه‌ای پیش‌گفته لطمه نخورد. در کنار این موارد باید به خنثی بودن مالیات بر عایدی سرمایه توجه ویژه شود؛ بدین معنا که این پایه در دیگر بازارهای موازی نیز وضع شود تا در جذابیت بازارها در مقایسه با یکدیگر تأثیرگذار نبوده و تنظیم سود به ریسک را دچار اختلال نکند و حتی نرخ مالیات بر عایدی به نحوی در بازارها وضع شود که موجب هدایت نقدینگی به بازارهای مولد مانند بورس اوراق بهادار شود.

یکی دیگر از نکاتی که می‌تواند مدنظر قرار گیرد مسئله کاهش نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در بلندمدت بنابر تشخیص و صلاحدید سیاستگذار است. این کار برای حمایت از سرمایه‌گذاری بلندمدت و جلوگیری از سفته‌بازی و ایجاد نوسانات اختلال‌زا در بازار مطرح است. باید دقت شود که اینجا باید بین سفته‌بازانی که نقدشوندگی بازار را تأمین می‌کنند و سفته‌بازان اختلال‌زا تفاوت قائل شد. همچنین، نباید چنین صلاحدیددی موجب ایجاد اثر قفل‌شوندگی‌داری شود و نقدشوندگی بازار را با اختلال مواجه کند. برای اینکه چنین اتفاقی رخ ندهد پیشنهاد می‌شود نرخ مالیات بر عایدی به صورت پلکانی کاهش یابد تا سرمایه‌گذاران تفاوت زیادی در نرخ مالیاتی کوتاه‌مدت و بلندمدت مشاهده نکنند و منابع در سهام شرکت‌های مختلف اصطلاحاً قفل نشود.

موضوع مهم بعدی در باب گرفتن مالیات بر عایدی سرمایه، تورم است. به نظر می‌رسد مالیات بر عایدی سرمایه، باید از عایدی حقیقی و تورم در رفته سرمایه‌گذاران گرفته شود و تورم از دل عایدی آنها جهت گرفتن مالیات خارج شود. البته این ملاحظه مربوط به معاملات بلندمدت است و در معاملات کوتاه‌مدت نیاز نیست لحاظ شود که توضیحات مربوط به آن پیش‌تر از نظر گذشت. گفتنی است توجه به تعریف دقیق از زمان کوتاه‌مدت و بلندمدت با ذکر دلایل منطقی نیز حائز اهمیت است. همچنین توجه به زیان سرمایه هم توصیه می‌شود؛ یعنی زیان افراد در معاملاتی که انجام می‌دهند از میزان مالیات بر عایدی آنها کسر شود تا سازوکار پیشنهادی عادلانه باشد. همچنین به صلاحدید سیاستگذار می‌توان زیان سرمایه‌گذاران در سال‌های گذشته را نیز در مالیات بر عایدی سرمایه سال‌های بعد لحاظ کرد.

در دسته سوم و پایانی فقط یک پایه مالیاتی به اسم مالیات بر ثروت وجود دارد که درصدد گرفتن مالیات از اصل‌المال سرمایه‌گذاران است. در ادبیات نظری گرفتن این پایه موافقان و مخالفان خاص خود را دارد. موافقان معتقدند با گرفتن مالیات بر ثروت، فاصله طبقاتی کاهش پیدا کرده و با بازتوزیع منابع حاصله، عدالت اجتماعی محقق خواهد شد. مخالفان نیز وضع این پایه مالیاتی را ضد توسعه کشور می‌دانند و آن را یکی از عوامل احتمالی فرار سرمایه از بازار سرمایه و در کل از کشور می‌دانند. در مصاحبه‌های انجام شده نیز اکثر قریب به اتفاق خبرگان با وضع مالیات بر ثروت در شرایط حاضر مخالف بودند. پیشنهاد می‌شود در شرایط حال که مالیات سود تقسیمی و مالیات بر عایدی سرمایه نیز وضع نشده است و استقرار سازوکار گرفتن آنها کار سبلی نخواهد بود، باید مالیات بر ثروت را از سازوکار پیشنهادی کنار گذاشت و تمرکز را بر روی دیگر پایه‌هایی گذاشت که اجماع بر روی آنها از سوی کارشناسان و مسئولان اجرایی وجود دارد.

گفتنی است در نگاه به کل سازوکار پیشنهادی و با در نظر گرفتن هر سه دسته‌ای که در مطالب پیش تبیین شد، باید یادآوری شود که این سازوکار یک خرده نظامی خواهد بود در نظام اقتصادی کشور و بنابراین باید همسو با اهدافی همچون توسعه و شکوفایی اقتصاد کشور باشد. همچنین حالت ایدئال این است که نظام مالیات‌ستانی بر درآمد اشخاص و سیستم اظهارنامه‌ای در نظام اقتصادی کشور تعریف و پیاده‌سازی شود و گرفتن مالیات از معامله‌گران بورس اوراق بهادار تهران بخشی از آن سیستم را تشکیل دهد که این موضوع نیازمند پژوهشی مجزا در مورد الزامات پیاده‌سازی PIT خواهد بود. گفتنی است لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ از تصمیم سازمان امور مالیاتی برای پیاده‌سازی آن در سال ۱۴۰۲ پرده برمی‌دارد. افزون‌براین باید عنایت کرد که دولت نباید یک سویه به مسئله بورس بنگرد؛ بدین معنا که فقط به دنبال تأمین مالی خود از محل مالیات‌ستانی در

این بازار باشد. اگر چنین شود نه تنها هدف درآمدزایی آن محقق نخواهد شد، بلکه اعتماد عمومی نیز از دست خواهد رفت. برای اینکه سرمایه‌گذاران به دولت اعتماد داشته باشند و او را در این مسیر و اجرای سازوکار همراهی کنند، باید اصلاحاتی توسط دولت انجام شود. به‌طور مثال دولت باید دست از قیمت‌گذاری دستوری در صنایع بردارد و فضای کسب‌وکار مبتنی بر اصول اقتصادی را فراهم آورد.

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، شکل‌واره سازوکار پیشنهادی گرفتن مالیات در بورس اوراق بهادار تهران به‌نحو ذیل خواهد بود: (توضیح آنکه با توجه به توضیحات یادشده، رنگ قرمز در سازوکار پیشنهادی به معنای پیشنهاد عدم وضع پایه مالیاتی مربوطه در بورس اوراق بهادار و رنگ سبز به معنای توصیه به وضع پایه مالیاتی مربوطه می‌باشد).



#### ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی بر ارائه سازوکار وضع پایه‌های مالیاتی جدید در بورس اوراق بهادار تهران بود. انگیزه اصلی محقق جهت انجام این پژوهش به دلیل عدم وجود پژوهشی جامع در خصوص بررسی چگونگی وضع پایه‌های مالیاتی جدید در بورس اوراق بهادار بود. براساس این با مطالعات

کتابخانه‌ای و سپس انجام مصاحبه با گروه‌های هدف مسائل و نکات مهم پیرامون وضع پایه‌های مالیاتی مختلف استخراج و ورودی روش تحلیل مضمون شد. با استفاده از این روش متون مصاحبه به مضامین پایه تبدیل و سپس با پیدا کردن اشتراکات مضامین سازمان‌دهنده تبیین شدند. در ادامه برای عملیاتی کردن مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر به پیشنهاد خبرگان افق‌های زمانی پیاده‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، در سه دوره کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت شدند. در پایان با تحلیل مضمون صورت گرفته، پیشنهادات پژوهشگر در خصوص وضع یا عدم وضع هر یک از پایه‌های مالیاتی و همچنین تأثیرات متقابل آنها بر یکدیگر در قالب سازوکار نهایی تبیین شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

۱. آتش‌بار، توحید (۱۳۹۸)، بودجه به زبان ساده، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۷۶۳.
۲. بهزادفر، (مرداد ماه ۱۳۹۹)، مصاحبه سیزدهم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۳. جمشیدی‌فر، (تیرماه ۱۳۹۹)، مصاحبه دوم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۴. درویشی، باقر و همکاران (۱۳۹۵)، درس‌هایی از اصلاحات مالیاتی دهه ۱۹۹۰ با تأکید بر مالیات بر مجموع درآمد، سازمان امور مالیاتی.
۵. رستگار، (تیرماه ۱۴۰۰)، مصاحبه چهارم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۶. رنانی، (مرداد ماه ۱۴۰۰)، مصاحبه پانزدهم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۷. زایر، آیت و همکاران (۱۳۹۷)، راهنمای طراحی مالیات بر عایدی سرمایه (مروری بر مبانی نظری، تجارب جهانی و الگویی برای ایران)، دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان امور مالیاتی.
۸. زمانی، (مرداد ماه ۱۳۹۹)، مصاحبه شانزدهم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۹. سبحانیان، (تیرماه ۱۴۰۰)، مصاحبه ششم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۱۰. سلامی، (تیرماه ۱۴۰۰)، مصاحبه اول (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۱۱. ضیائی بیگدلی، محمدتقی (۱۳۸۳)، «آثار مالیات بر نقل و انتقال سهام در بازار اوراق بهادار تهران»، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۲۷.
۱۲. عسگری، احسان (۱۳۹۲)، «بررسی انواع مالیات در بورس‌ها»، ماهنامه بورس، ش ۱۰۸ و ۱۰۹.
۱۳. غفارزاده، (تیرماه ۱۴۰۰)، مصاحبه سوم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۱۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲)، ارزیابی امکان الحاق مالیات بر عایدی سرمایه لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم.
۱۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)، مالیات و بازار سرمایه، همایش ایران ۱۴۰۴.
۱۶. مؤمنی‌راد، اکبر؛ خدیجه علی‌آبادی، هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، اندازه‌گیری تربیتی، جلد ۱۴، ش ۴، ص ۱۸۷-۲۲۲.
۱۷. نصیری‌اقدم، (مرداد ماه ۱۴۰۰)، مصاحبه دهم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
۱۸. نصیری‌اقدم، علی و همکاران (۱۳۹۱)، اصلاح سیستم مالیاتی با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار، سازمان امور مالیاتی.



۱۹. نصیری اقدم، علی و همکاران (۱۳۹۹)، طراحی الگوی مناسب مالیات بر درآمد اشخاص و شبیه‌سازی آثار درآمدی و توزیعی آن، سازمان امور مالیاتی.
۲۰. نمایندگان (۱۳۹۹)، «طرح مالیات بر عایدی سرمایه».
۲۱. یاسینی، (مرداد ماه ۱۴۰۰)، مصاحبه هجدهم (متن مصاحبه در پیوست آمده است).
22. Akinloye, A. (2013), *Capital Gains Taxation And Stock Market Investments: Empirical Evidence*, The Institute for Business and Finance Research.
23. Fabian, K., & Petros M. (2019), *Is capital taxation always harmful for economic growth?*, International Tax and Public Finance.
24. Graeme S. Cooper and Richard K. Gordon. (1998), *Tax Law Design and Drafting*, Chapter 19, Taxation of Legal Persons and their Owners Palgrave Macmillan UK.

